

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم. با سلام خدمت استاد طاهر زاده. در مورد مباحثی که در مورد آیت الله مصباح و چگونگی حرکت و تحلیل جامعه حزب الله نسبت به ایشان داشتید ، میخواستم عرضی داشته باشم. اولاً معتقدم که این مباحث هر چه زودتر تمام شود و باید جامعه حزب الله به کار تئوریک بپردازد. هر چه ما در گذشته بمانیم □ به جای تحلیل و ترسیم نقشه آینده از آن - هیچ گاه آینده از ما نخواهد شد. به هر حال قبول کنیم که جامعه حزب الله قبل از دولت نهم از یک طرف تجربه هیچ کار سیاسی نداشت و از طرف دیگر خود را از لحاظ علمی هم نتوانسته بود بازتولید کند. چرا احمدی نژاد در اواسط دولت نهم آن نامه را برای فعال کردن نخبگان دینی برای پاسخ گویی به نیاز های دولت نوشت ؟ در صورتی که پاسخ های آن باید قبلاً آماده می شد. اما جناح مقابل از یک طرف ۲۵ سال کشور را اداره کرده بود و از طرف دیگر خود را به طرق گوناگون در مجامع علمی بازتولید کرده بود و مبنای تئوریک غرب نیز پشتیبان او بود . باید بسیاری از اشتباهات را به پای بی تجربگی و عدم داشتن مبنای سیاسی دانست. با سخن آقای پرویز امینی کاملاً موافقم که ما باید سیاست ورزی را یاد بگیریم و این مشکل جامعه حزب الله است که نمی تواند میان انتقادهای آیت الله مصباح و طیف لاریجانی تمایز قائل باشد. عرصه سیاست پیچیده است و ما برای دولت سازی احتیاج داریم که جامعه ما قدرت درک این پیچیدگی ها را پیدا کند. کاندیداتوری جلیلی به جامعه حزب الله نشان داد که چگونه به اندازه بال مگسی رمق ندارند و در عین حال ادعای فتح جهان هم دارند. وقتی جلیلی و ستاد افتضاح او قادر به جمع آوری رای قشر خاکستری جامعه نباشند ، به درد زیر جرز هم نمی خورند. در همین اصفهان بعد از ۱۰ روز پیگیری در اوج انتخابات نتوانستند به ستادها یک نشریه که بیانگر وجوه تمایز جلیلی باشد را بدهند تا این که مجبور شدیم به صورت خودجوش اقدام به این کار کنیم و تاثیر فوق العاده آن عصبانیت ما را از ستاد بیشتر کرد. به هر حال بی عرضه هایی که تمام ظرفیت جامعه دین دار ما را در قدم اول به آتش کشیدند ، نمی توانستند ظرفیت ملت ایران را آزاد کنند. خوب حال برای کار تئوریک باید چه کرد ؟ رهبر انقلاب ۵-۶ سال پیش به حوزه دستور فرمودند که برای فرار از مرگ و انزوا در ۲۰ سال آینده متحول شود. متأسفانه مدیریت حوزه در این مدت در جهت عکس حرکت کرد و شاهد آن هم عتاب های رهبری به آنها و تغییر همه مدیران است. ۲۵٪ زمان از دست رفته و ما ۵-۶ را از دست دادیم و برحسب اطلاعات بنده روند ۵ سال آینده برگشت به ۵ سال پیش است. در حقیقت جمع حرکات در نیمی از فرصت رهبر انقلاب می شود صفر. اگر شعار های ما سرباز امام زمان هستیم و از این قبیل شعارهای پوچ کارساز بود حوزه نجف الان به این مخروبه که می بینید تبدیل نمی

شد. بنابراین به حوزه به عنوان یک فرد در حال مرگ باید نگرست و امیدی به آن نداشته باشیم. از دانشگاه هم اطلاعی ندارم ولی به آن امیدی هم نیست و نمی دانم آیا این نهاد ذاتا سکولار می تواند به حزب الله کمک کند یا خیر؟ به نظرم تنها راه این که ما بتوانیم افق های آینده را بگشاییم ، همان است که استاد می فرماید یعنی جامعه حزب الله به جای به هم پریدن و نبش قبر گذشته به طور خودجوش به تفصیل شخصیت امام خمینی و شهدا در سطح جامعه مشغول شود و از طرف دیگر سیاست ورزی و تحلیل سیستمی تاریخ را به جامعه تزریق کند. بخشی از نخبگان حزب الله هم باید به سمت تولید سیستم های اداره کشور از سیستم بهداشت تا اقتصاد و ... برود تا ان شاء الله هر موقع دولت به دست حزب الله افتاد بتوانیم کارآمدی گفتمان امام و رهبری را اثبات کنیم و گرنه خود رهبر انقلاب هم رییس جمهور شود باز هم بدون مبنا و فلسفه اداره دولت به سمت امثال پژویان که لیبرال بودن آنها مشهور است می رود. ببخشید مزاحم شدم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده با این که از قوت تحلیل واقع بینانه ی شما مسرور هستم و به دوستان توصیه می کنم بادقت آن را مطالعه کنند تا نقاط دقیق و ارزشمندی در آن بیابند، این نوع تعبیرات را در مورد ستاد آقای جلیلی نمی پذیرم چون آن ستاد، همین من و شما هستیم چون آقای جلیلی یک تفکر است و نه یک حزب و یا یک فرقه. از طرفی حوزه ی علمیه هم ما هستیم؛ اگر از جایی شروع کنیم که بحمدالله بعضی دوستان شروع کرده اند، به مرور تقدیر ما در تاریخ آینده عوض می شود. در هر حال به هیچ وجه، جای نا امیدی نیست، در شرایطی هستیم که هر قدمی در راستای اهداف این انقلاب بزرگ برداریم تبدیل به صد قدم می شود. موفق باشید.